

چگونه امکان دارد قیام امام حسین(ع) و محرم با تشییع پیکر رهبر شهید انقلاب ارتباط پیدا کند؟

همان طور که حضرت آیت‌الله سید مجتبی خاмене‌ای رهبر معظم انقلاب اشاره فرمودند، این مراسم ادامه عاشورا، کربلا و امام حسین(ع) است. به این معنا که رخداد کربلا آنقدر عظیم بود که به مبدأ تاریخ تبدیل شد و پس از آن، حوادثی که رخ می‌دهند به نوعی گوشه‌ای از تمدن کربلا را بازسازی می‌کنند. به همین دلیل، واقعه کربلا و عاشورا را نباید صرفاً یک رویداد تاریخی تلقی کرد، بلکه تمدنی را بنیان گذاشت که مثلاً وقوع انقلاب اسلامی ناشی از همان تمدن است و آن را به شکلی دوباره معنا می‌کند.

از سوی دیگر، در همان زمان انقلاب هم وقتی مردم قیام کردند، نگاهشان این بود که کربلا در حال تکرار است، یعنی یل‌تشییه یک امام حسین(ع) در مقابل یزیدی ظهور کرده و این بار نباید او را تنها بگذاریم و باید با او همراه شویم. می‌فقتند فرزندان آقا مصطفی به شهادت رسید، انسان‌های زیادی هم به شهادت رسیدند و کلاً تصور مردم یک تصور کربلایی بود.

در ماجرای اخیر هم چون مردم در همین چارچوب و ذهنیت زیست می‌کنند - چون بحث، بحث تمدن است که افراد در آن غوطه‌ور هستند - با همان نگاه کربلایی این واقعه را فهمیدند، یعنی باز هم یک یزید شراب‌خوار و قمارباز ظهور کرده و در مقابل، امامی قرار دارد که با خانواده و تمام یاران و سردارانش در برابرش ایستاده است. به این معنا، واقعه عاشورا تکرار می‌شود: باز هم طفل صغیر و شیرخوار شهید می‌شود، باز هم یک پدر با خانواده و یارانش به شهادت می‌رسد.

همه اینها غوغایی است که از کربلا آغاز شده و ادامه پیدا کرده و مردم نیز در همین چارچوب می‌فهمند و درک می‌کنند. جالب اینجاست که نقطه اوج پیام رهبر انقلاب، خونخواهی است که مهم‌ترین خواسته و تمنای مردم حاضر در این تشییع بود، یعنی بیش از آنکه این تشییع یک مراسم سوگواری و غم‌گساری باشد، یک اعلام خونخواهی بود و پرچم‌های سرخ هم همین پیام را می‌رساند. قاعداً اگر بخوایم روایت کربلا را تداوم ببخشیم، در اتفاقی که افتاد حتماً یک بخش مهم آن خونخواهی است. جنایتی رخ داده، مردم دچار تحول شده‌اند، به خیالان آمده‌اند و آن رستاخیزی که بعد از خون امام حسین(ع) اتفاق می‌افتد رخ داده و اکنون این روایت باید به خونخواهی ختم شود. این جهت، پیامی که صادر شد، کاملاً در چارچوب همین نگاه تمدنی به عاشورا و امام حسین(ع) است که اجزایش را دوباره پیدا می‌کند و تناظر این اتفاقات را با رخدادهای کربلا مشخص می‌کند. الان در مرحله خونخواهی هستیم که آن هم بخش مهمی از واقعه کربلا بوده و حالا در نگاه مردم تکرار می‌شود.

در تشییع رهبر شهید انقلاب شاهد بودیم که ماجرا به فراتر از مرزهای کشور کشیده شد و در خارج از ایران هم مردم حضور میلیونی پیدا کردند. آیا این حضور هم به نسبت این اتفاق با قیام امام حسین(ع) برمی‌گردد یا فقط به این دلیل است که رهبر شهید انقلاب بالاترین مقام ایران و یک شخصیت سیاسی شناخته‌شده بودند؟

برای تحلیل این وقایع، اگر عامل تمدنی و بحث کربلا را حذف کنیم، به هیچ وجه نمی‌توان تحلیل کرد که چرا رهبر یک کشور خارجی به کشور دیگری می‌رود؟ آن هم در شرایطی که می‌دانیم این دو کشور نزدیک به هشت سال با هم جنگیده‌اند و دیوار به نام «عرب و عجم» میان‌شان وجود داشت که از لحاظ ذهنی آزاردهنده است، اما با وجود همه این موارد، تشییع میلیونی برقرار می‌شود. دقیقاً این اتفاق هم به این علت است که مردم عراق هم دارند در کربلا زندگی می‌کنند به‌خصوص بعد از اینکه راهپیمایی اربعین راه افتاد. هرچند از قبل هم راهپیمایی اربعین وجود داشت، ولی اکنون زندگی کربلایی و تمدن امام حسین(ع) وارد زیست‌شان شده است. به خاطر همین، بیش از هر مفهوم دیگری با این معنا آشنا هستند و خیلی خوب توانستند با آن ارتباط بگیرند. در نتیجه، رخدادی که از نظر آنها اتفاق افتاده، دوباره یک نوع بازسازی و تکرار واقعی کربلاست و طبیعتاً بیش از همه، مردم نجف، کربلا و دیگر بخش‌های عراق هستند که این اثر متوجه می‌شوند. حضور گسترده مردم را نیز تنها باید با همین نگاه دید، نه به این دلیل که مثلاً رهبر انقلاب رهبر موفقی در برابر امریکا بوده یا اسرائیل بوده یا اینکه یک مرجع بزرگ تقلید بوده و مردم عراق هم شیعیان دیندار می‌باشند و به مرعیت احترام می‌گذارند، اصلاً چنین مسائلی مطرح نیست. اگر این اتفاق به این شکل نمی‌افتاد و مثلاً رهبر انقلاب به مرگ طبیعی از دنیا می‌رفتند، هرگز این نگاه در عراق وجود نداشت که پیکر‌شان به عراق برده شود و مردم این گونه حضور پیدا کنند. علت آن است که ایشان شبیه به امام حسین(ع) به شهادت رسیدند و مردم عراق نیز این موضوع را از زاویه کربلایی بینند. بر همین اساس، من علت‌های دیگر را بسیار ضعیف و مردود می‌دانم.

شما خیلی به شیعیان اشاره کردید. در عراق فقط شیعیان نیستند، در کشورهای دیگر هم چه شیعه و چه سنی، مثلاً در بحرین، پاکستان، یمن یا لبنان به نحوی در اعلام عزای مشارکت داشتند و تشییع نمایان انجام دادند. اینکه بقیه مسلمانان یا حتی غیرمسلمانان هم از این شهادت متأثر شدند و می‌خواهند اعلام کنند با شما عزاداریم، در کجای تمدن عاشورا قرار می‌گیرد؟

مواردی که اشاره کردید مربوط به کشورهای شیعه‌نشین است که بخشی از تمدن کربلا هستند، اما وقتی با دیدگاه تمدنی به موضوع نگاه می‌کنیم، دیگر بحث شیعه و سنی و مسلمان و غیرمسلمان مطرح نیست، بلکه موضوع در تراز تمدنی معنا پیدا می‌کند و تأثیراتی فراتر از مذهبی به نام شیعه دارد، یعنی تمدنی وجود دارد که حتی ممکن است فردی با تفکر چپ را که خدا را هم قبول ندارد جذب کند و این فرد از قیام امام حسین(ع) متأثر شود. مثلاً کسانی



گفت‌وگو

مطالبه مردمی در خصوص خونخواهی رهبر شهید انقلاب و نسبت آن با قیام عاشورا در گفت‌وگوی «جوان» با محسن ردادی، عضو پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

خونخواهی رهبر شهید در امتداد نگاه تمدنی عاشورا است

■ سجاد آذری

«در زمره حسینیان کسانی هستند که وقتی در راه حسین و برای مکتب و مرام حسین(ع)، خونشان مظلومانه بر زمین می‌ریزد، امت اسلام به حرکت درمی‌آید و آن زمان به عاشورا و آن مکان به کربلا متصل می‌شود. حال هم همان شور حسینی، ملت ما را باعث بخشیده و مکتب خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید را جلوه‌ای تازه داده است. این است آن غوغای حیات‌بخشی که انعکاس ندای مظلومیت حسین(ع)

و ندای خلّ من ناصر یبصرُنّی او در ایران و پس از آن در عراق و سایر کشورها به پا می‌کند و زلزله در باطن می‌اندازد.» این بخشی از پیام اخیر رهبر معظم انقلاب، به مناسبت تشییع و تدفین آقای شهید ایران، خطاب به امام شهید امت است. بر همین اساس، نسبت خونخواهی امام حسین(ع) با خونخواهی امت اسلام و آزادخواهان عالم در خصوص رهبر شهید انقلاب، در گفت‌وگوی «جوان» با محسن ردادی، عضو پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و جامعه‌شناس سیاسی، مورد بررسی قرار گرفت.



ایشان گرفته نشده و در زیارت عاشورا هم هست که امام زمان(عج) خونخواهی را به سرانجام می‌رساند. پس خونخواهی دامنه‌ای طولانی دارد که فقط محدود به قصاص نیست. حالا در این ماجرا هم که صرفاً به شهادت رسیدن امام حسین(ع) یا رهبر انقلاب نیست، اتفاقی که افتاده تأثیری در عالم گذاشته است. چون یک حرمتی شکسته شده و یک بی‌عدالتی رخ داده که فقط با کشتن قاتلان حل نمی‌شود. باید خیلی فراتر از این اتفاق بیفتد تا عدالت اجرا شود و مردم احساس کنند بی‌عدالتی جبران شده است. شما در مورد امام حسین(ع) رفتید بچه را شهید کردید، با وضعی فجیع امام را به شهادت رساندید؛ آیا حالا قاتلان را گردن بزنیم و بگوییم تمام شد؟ نه، بی‌عدالتی و بی‌حرمتی بزرگی نسبت به خاندان رسول‌الله(ص) رخ داده که باید آثار فراتری داشته باشد. جبران این ظلم در آن است که بتوانید حکومت عدل الهی را برپا کنید؛ آن وقت می‌شود گفت خونخواهی اتفاق افتاده است. در مورد رهبر انقلاب هم به همین ترتیب، شاید برای اولین بار است - و من هرچه فکر می‌کنم به ذهنم نمی‌رسد - که در جنگی رهبر یک کشوری را ترور کنند، آن هم در شرایطی که در حال مذاکره هستند. در این هزار سال هم که مرعیت داشته‌ایم، هرچه مرور می‌کنم هیچ مرجعی را به این شکل به شهادت نرسانده‌اند که مثلاً یک کشور خارجی بیاید و یک مرجع تقلید یا رهبر دینی در این سطح را ترور کند. پس موضوع بسیار مهمی است. بر همین اساس، اگر ما سر نتایج‌ها یا ترامپ را هم روی میز بگذاریم، نمی‌توان گفت حرمتی که شکسته شده برمی‌گردد. اگر امثال بنده را می‌کشتند، با یک قصاص معمولی عدالت تأمین می‌شد، اما اکنون حرمتی شکسته که هزار سال بی‌سابقه بوده و خونخواهی آن به این راحتی اتفاق نمی‌افتد. در این موضوع خاص هم خونخواهی موتور محرک که تمدنی است که باز هم از قیام امام حسین(ع) الگو می‌گیرد، یعنی چون مردم در این فضا زیست می‌کنند، بحث خونخواهی اینقدر برایشان



در آلمان بودند که ابراز همدردی کردند و می‌خواستند خودشان را به نحوی به تشییع رهبر انقلاب برسانند. اینها کسانی هستند که یک نگاه چپ انتقادی دارند و نه تنها مسلمان نیستند، بلکه شاید خدا را هم قبول نداشته باشند، اما متوجه می‌شوند که قیام امام حسین(ع)، قیامی علیه ظلم و ستم است که دو طرف دارد: یک طرف کاملاً انسانی است و طرف مقابل سراسر ظلم و سلطه. آنها این را می‌فهمند و همین موضوع موجب می‌شود که در ماجرای شهادت رهبر انقلاب هم واکنش نشان دهند و همراه شوند. از سوی دیگر، در این بحث تمدنی، برخی هم هستند که شیعه‌اند و اتفاقاً شیعیان بسیار جدی هم هستند و به عنوان «انجمن حجتیه» شناخته می‌شوند. این افراد خیلی خودشان را شیعه می‌دانند، اما چون در تمدن عاشورا کربلا زیست نمی‌کنند و نگاه تمدنی ندارند، نسبت به این واقعه بی‌تفاوت مانده‌اند، یعنی نه تنها متأثر نشدند، بلکه ارتباط خاصی هم با شهادت رهبر انقلاب نگرفتند. پس در خلّ رخ دادن است.

می‌توان گفت چه در قیام عاشورا و چه بلا تشییع در شهادت رهبر انقلاب، فردی در راه اسلام و آزادی قیام و با خانواده‌اش جانش را فدا کرده است. آیا نگاه تمدنی فقط می‌گوید که ایسن افراد چقدر بزرگ و وارسته بودند و تمام؟ یا اینکه ماجرا به شکل دیگری باید تحلیل شود؟ بخش مهمی از کربلا بعد از شهادت امام حسین(ع) رخ می‌دهد. بخش عمده واقعه‌ای که هسته اصلی تمدن عاشورا و امام حسین(ع) است، بعد از قیام کربلا شکل می‌گیرد. قبل از قیام، از گسار محدودی وجود دارد. خود واقعه کربلا نقطه اوج است، اما بخش عمده آن بعد از شهادت امام حسین(ع) است: حرکت کاروان، روشنگری پیرامون شهادت آزوسی حضرت زینب(س) و حضرت زین‌العابدین(ع) و بعد هم این روند ادامه پیدا می‌کند. شما نمی‌توانید حوادث بعد از قیام را از تمدن امام حسین(ع) جدا کنید: قیام، توأبند، قیام خونخواهان، قیام مختار و غیره، همگی ذیل همان تمدن کربلایی تعریف می‌شوند و اتفاقاً آن چیزی که به جامعه حرکت می‌دهد، همین بحث خونخواهی است؛ خونخواهی فراتر از قصاص است. قصاص، یعنی کسانی که در این جنایت دخیل بودند، مجازات شوند. در واقعه عاشورا این اتفاق افتاد و مختار در همان دو سه سال اول، تک‌تک این افراد را یافت و به فجیع‌ترین شکل ممکن کشت و قصاص انجام شد، اما ماجرا تمام نشد و تا سال‌ها پرچم «یا لئارات الحسین» برافراشته شد و باز هم قیام‌ها ادامه یافت. خبر امروز دیگر از قاتلان امام حسین(ع) کسی نیست، پس این خونخواهی بسیار فراتر از قصاص قاتلان است. ببینید همه‌آنها (ع) بدون استثنا و به قول اغلب مورخان حتی پیامبر اعظم(ص) به شهادت رسیدند، اما روی قبه هیچ‌کدام پرچم سرخ نیست. مگر امام علی(ع) یا دیگر انمه به شهادت نرسیدند؟ اما روی قبه امام حسین(ع) پرچم سرخ خونخواهی است، یعنی هنوز قصاص خون

۶۶

ترامپ نظم جهانی را با ترور رهبر شهید انقلاب بر هم زد و اکنون تازه دارد متوجه می‌شود چه کرده است، برای همین است که واکنش‌های عصبی و شتاب‌زده دارد

برجسته شده است و گر نه نباید تا این حد مهم می‌بود، اما دقیقاً به این دلیل که تحت تأثیر واقعی کربلا هستند و مهم‌ترین بحث در واقعه کربلا خونخواهی بوده، الان هم این موضوع بسیار برجسته شده است.

بالاخره دفعه اول نیست که پرچم خونخواهی را بلند کرده‌ایم. شاید یکی از نزدیک‌ترین نمونه‌ها، شهادت حاج قاسم و پس از آن خونخواهی شهیدهای جنگ ۱۲روزه باشد. با این حساب، آیا خونخواهی شهادت رهبر شهید با نمونه‌های قبلی تفاوت دارد؟

کاملاً متفاوت است. هرچند به شهادت رساندن حاج قاسم نیز اقدامی غیرمتعارف بود. اینکه شمانه یک سرباز، بلکه سفیر کشوری را در کشوری دیگر که با آن مناسبات دیپلماتیک دارید به شهادت برسانید، خودش واقعه‌ای بسیار بزرگ و یک حرمت‌شکنی است. اما این قابل مقایسه با ترور رهبر یک کشور و عالی‌ترین مقام آن نیست. مثلاً الان سال‌هاست بین روسیه و اوکراین جنگ است. به نظر تان روس‌ها جای رئیس‌جمهور اوکراین را نمی‌دانند؟ معلوم است که می‌دانند، اما در بازی ژنرالی که در جریان است، شما هرگز حق ندارید شاه‌طرف مقابل را بزنید. در تمام جنگ‌ها هیچ‌وقت اتفاق نیفتاده که رهبر یک کشور را مورد تعرض قرار دهید. پس از یک طرف یک خرق عادت بزرگ رخ داده و از طرف دیگر، بالاترین مقام دینی یک مذهب را مورد تعرض قرار داده‌اند که این هم بی‌سابقه است. یک مثال ساده برای تقریب به ذهن بزنم: جدایی طلبان تبت به رهبری دالایی لاما سال‌ها پیش قیام کردند. آیا چنین نمی‌تواند دالایی لاما را ترور کند؟ دلایل این است که این کار خارج از عرف بین‌المللی است و حرمت این فرد را حتی چین کمونیست هم می‌فهمد. چین می‌گوید من دین ندارم و با آن مخالفم، اما این فرد مورد احترام میلیون‌ها بودایی تبتی است و من حق ترورش را ندارم. حالا شما بباید و مرجعی را که میلیون‌ها مقلد در ایران، عراق، بحرین، کویت، هند، پاکستان، افغانستان و جاهای دیگر دارد، به این راحتی به شهادت برسانید. مشخص است که این ترور حتی قابل مقایسه با ماجرای حاج قاسم یا جنگ ۱۲روزه نیست. من روی واژه «حرمت» تأکید دارم. حرمتی شکسته شده که ماجرا را کاملاً متفاوت می‌کند. یک بی‌عدالتی در نظم عالم رخ داده که از کسی جز ترامپ برنمی‌آید. کمالین که مثلاً هیچ‌یک از خلفای مستبد و ظالم عباسی و اموی جرئت نکردند با این فضاقت و شهنشاعت یکی از انمه را آن طور که امام حسین(ع) به شهادت رسید، شهید کنند. اگر هم می‌خواستند بکشند، پنهانی زهر می‌دادند یا ترور می‌کردند که معلوم نشود و حتی برخی مواقع خودشان هم عزاداری می‌کردند و ظاهر حرمت را حفظ می‌کردند، اما یزید دیوانه بود که چنین کاری کرد و الان هم ترامپ دیوانه‌ای است که نمی‌فهمد با این کار دارد نظم عالم را به هم می‌زند و اتفاقی در عالم دارد می‌افتد که دیگر در اختیار نبودن آقا سید مجتبی یا حتی آزوسی ایرانیان رخ ندهد. نشانه‌اشی در عالم به وجود آورده‌اید که آزادگان عالم - نه از سر مسائل ماورایی - برایشان این وضع قابل تحمل نیست و قاتلان رهبر انقلاب مرگ آرامی نخواهند داشت؛ همانطور که برای یزید و عبیدالله بن زیاد و دیگر عاملان قتل امام حسین(ع) مرگ آرامی رقم نخورد.

دلیل اینکه از ۱۴۰۰ سال پیش تا به حال، کسانی که چنین جنایتی را مرتکب می‌شوند مرگ آرامی ندارند، چیست؟

چون شما نظم را به هم ریخته‌اید. اگر می‌خواهید ظلم هم بکنید، خدا تاجایی در این دنیا به شما آزادی عمل داده و مجازات اصلی در آخرت است، اما اگر نظم را به هم بزنید، سنت حاکم بر عالم را دچار آشوب می‌کنید و این آشوب موجب می‌شود خودتان آسیب ببینید. وعده‌ای رهبر رشید انقلاب، آیت‌الله سید مجتبی خاмене‌ای دادند، حتماً اتفاق می‌افتد. این از جنس تهدید یا رجزخوانی نیست، بلکه از یک حقیقت دارد خبر می‌دهد که در سال‌های آینده خواهید دید که نه ترامپ، نه امریکا و نه اسرائیل دیگر روز خوش نخواهند دید. عرض کردم بحث این نیست که ایران بخواد مدام موشک پرتاب کند، بلکه نظمی که به هم خورده باعث می‌شود، اینها اولین کسانی باشند که آسیب می‌بینند. در چند سال آینده خواهیم دید، آن‌شاءالله که طومار حکومت این افراد در هم پیچیده خواهد شد. من از جنبه احساسی یا خطابی صحبت نمی‌کنم، بلکه از منظر تمدنی عرض می‌کنم که شما یک حدی، یک نظم و یک حرمتی را باید رعایت کنید. اگر این شکسته شود، اجزای نظم عالم شما را آرام نخواهند گذاشت. اتفاقی که الان افتاده به همین شکل است و تأکید می‌کنم، ربطی به ایران، آقا سید مجتبی، خونخواهی شیعیان و غیره ندارد، بلکه نظمی که به هم خورده که باید جبران شوند، البته واکنش‌های عصبی و شتاب‌زده ترامپ دقیقاً نشان می‌دهد، تازه دارد متوجه می‌شود چه اشتباه بزرگی مرتکب شده است. اتفاقاتی که در خود امریکا می‌افتد، چه در حوزه اقتصادی و چه سیاسی، تازه آغاز ماجراست و نشان می‌دهد، اینها با تازتاب عمل بد خود مواجه شده‌اند.